ولایت فقیه و نقش خبرگان

پدید آورنده : اهمد صابری همدانی ، صفحه 41

اشاره

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی «قدس سره» واژه ها و موضوعاتی شایع و رایج شد، که پیش از آن یا وجود نداشت مانند: سپاه پاسداران و بسیج، کمیته امداد امام و مانند آن و یا مردم با آن واژه ها مأنوس نبودند، مثل: ولایت فقیه و خبرگان، مستضعف، مستکبر، محارب، مفسد فی الارض، که ریشه قرآنی و اسلامی دارند.

بعضی چنین می پندارند که این واژه ها هم از پدیده های انقلاب است و پیش از آن نبوده است، حال آن که انقلاب را ولایت فقیه به وجود آورد و عامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، عقیده مردم فداکار به ولایت فقیه و مرجعیت بود. اگر موضوع ولایت فقیه و اعتماد مردم به آن در میان نبود، این حرکت اسلامی و مردمی هم مانند دیگر حرکت های پیش از آن ناموفق بود.

این مقاله به بررسی نقش خبرگان در تعیین رهبری می پردازد.

انتخاب رهبر

پس از مشروعیت ولایت فقیه و رهبری در اسلام، بحث کیفیت انتخاب رهبر پیش می آید. در خصوص امامت کبرا و ولایت مطلقه ائمه معصوم (علیهم السلام) انتخابی در کار نیست، فقط انتصاب از جانب خداوند است: (ذلک فضل الّه یوتیه من یشاء واللّه واسع علیم)، (و جعلنا منهم ائمة یهدون بأمرنا لما صبروا و کانوا بآیاتنا یوقنون).

بنا بر عقیده برادران سنی، انتخاب امام و رهبر با بیعت اهل حل و عقد است. وقتی که عده ای از روسا و بزرگان از علما با شخصی بیعت کردند، امامت و رهبری او ثابت می شود و عدد کم یا زیاد در این انتخاب شرط نیست، ولی باید از نزدیک از حال شخص منتخب با اطلاع باشند، ونظریه و فکر و رأی سایر مردم معتبر نیست، بلکه بر همه واجب است از این رهبر اطاعت نمایند. راه دیگر، نصب امام قبلی است؛ خواه مردم از این نصب راضی و آگاه باشند یا نه. افراد دیگر که واجد صلاحیت رهبری بوده و هستند باید از این شخص منتخب متابعت نمایند و مسئولیتی را که او پذیرفته همه محترم شمارند و اگر نیرویی علیه او قیام کرد بر مسلمانان است با او بجنگند تا دست از مخالفت بردارد، و تسلیم امام و رهبر باشد؛ گر چه این حکم در زمان خلافت علی (علیه السلام) و جنگ معاویه با آن حضرت از یادشان رفت.

معیار رهبری شیعه در زمان غیبت

اگر شخصی با همه شرایط معتبر نزد ملت رهبر شناخته شد و مردم او را به پاکی و مدیریت و شجاعت و تقوا و فقاهت کامل شناختند، او برای رهبری، متعین است و نیازی به انتخاب ندارد؛ مانند رهبری امام خمینی «قدس سره» که همه علما و فقها و پیروان خاندان رسالت او را به این صفت شناختند او رهبری را پذیرفت، مردم هم به دنبال اوامر او تا پای جان رفتند و حماسه ها آفریدند که در تاریخ شیعه سابقه نداشت و دین مقدّس اسلام را به تمام جهان شناساندند.

و اگر فقهای واجد شرایط رهبری زیاد و صلاحیت هر کدام هم محرز و ثابت شده باشد، لازم است یک نفر از آنان انتخاب شود؛ چون دو رهبر در یک زمان نزد شیعه و سنی جایز نیست.

نقش مردم در انتخاب رهبر

اگر آرا و افکار و نظریات مسلمانان را در نظر نگیریم و حتی بدون آگاهی آنان شخصی را انتخاب کنیم، این یقینا بی اعتنایی به افکار مسلمانان و به حساب نیاوردن مؤمنان و صاحبان تفکر است، و اگر بخواهیم انتخاب رهبر را مانند ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس شورای اسلامی به دست عموم مردم دهیم، مردمی که اکثر آنان از فقه و فقاهت و بینش های سیاسی و تقوا و پرهیزگاری رهبری بی اطلاع هستند قطعا وضع بدی پیش می آید که با قداست رهبری و مقام شامخ او تناسب ندارد و شایستگی های رهبری یقینا مخدوش می شود و رقابت هایی به وجود می آید. خود آنان بری و دور از این مسائل هستند، اما دوستان نادان و دشمنان دانا کارهایی انجام خواهند داد که با روح اسلام و مقام مقدس امامت و رهبری سازگار نیست.

برای جلوگیری از این ناگواری ها قانونی در نظام جمهوری اسلامی ایران تصویب شده که با آن، بین افکار عمومی و قداست رهبری جمع شده است. به این ترتیب که: تمام مردم مسلمان باید در انتخابات شرکت کنند و عده ای را که اجتهاد و تقوا و بینش آنان از طرف شورای نگهبان با توجه به مدارک علمی و سوابق عملی تأیید شده به عنوان نماینده خود انتخاب کنند تا آنان از میان فقهای واجد شرایط یک نفر را به عنوان رهبر برگزینند و به مردم معرفی نمایند. در این انتخاب هم مردم و هم افراد برگزیده کشور و آگاه به شئون مقام رهبری سهیمند. پس از انتخاب رهبر همه مردم و فقها باید از او اطاعت نمایند و فقهای دیگر که آنان نیز مشروعیت و صلاحیت رهبری را داشتند دیگر نمی توانند در امر رهبری دخالت کنند؛ همان گونه که کاندیداهای ریاست جمهوری و واجدان شرایط قضاوت بعد از مسئولیت یکی از آنان - با انتخاب یا انتصاب - از دخالت در امور اجرایی کشور و امور قضائی و یا رد حکم قاضی شرع ممنوع هستند.

با این توضیح، مراحل سه گانه رهبری پایان می پذیرد: اول مشروعیت، دوم چگونگی واگذاری مسئولیت، سوم ممنوعیت دیگران پس از انتخاب رهبر.

خبرگان و رهبری

باید دانست که نمایندگان محترم مجلس خبرگان به رهبر و ولی فقیه مشروعیت نمی دهند و نیز سلب مشروعیت و صلاحیت از دیگر فقهای واجد شرایط نمی کنند. بلکه به یکی از آنان که او را اصلح و انسب می دانند مسئولیت اجتماعی می دهند. و چون رهبر طبق عقیده شیعه و سنی در هر زمان بیش از یک نفر نباید باشد ناچار یک شخص با انتخاب مستقیم نمایندگان مجلس خبرگان و غیر مستقیم ملت، زمام امور و نظارت بر تشکیلات اسلامی را در دست می گیرد، اما اصل مشروعیت رهبری و ولایت فقیه یک حکم الهی و مذهبی است که از طرف امام معصوم و حجت خدا به فقها داده شده است و به حکم «اولئک حجتی علیکم و انا حجة اللّه علیهم»، همه پیروان اسلام را به اطاعت از ولی فقیه و رهبر دینی در حدود قلمرو و ولایت او ملزم ساخته است. مخالفت و رد دستورات او را رد بر امامان و رد بر خدا دانسته و «الراد علیهم کالراد علینا»، در این رابطه است.

بدیهی است این روش انتخاب در ایران بهترین راه تعیین رهبری است که هم افکار و آراء ملت محترم شمرده شده و در آن دخالت دارند و هم آرای افراد فقیه شناس و آگاه از شرایط لازم ولایت فقیه و مسائل اجتماعی و سیاسی که نمایندگان منتخب مردم هستند؛ و بدین وسیله راه باند بازی و گروه گرایی و تبلیغات ضد و نقیض و رقابت های بی مورد بسته شده و قداست رهبری محفوظ می ماند.

بعد از روشن شدن موضوع ولایت فقیه در اسلام و نقش خبرگان در انتخاب از نظر دینی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، طبعا مسائل و موضوعاتی در این رابطه به وجود می آید و گاهی مورد سؤال قرار می گیرد که دانستن آن ها برای همه ما لازم و ضروری است و در تقویت محور اصلی انقلاب یعنی مقام رهبری و عقیده مردم به ولایت فقیه مؤثر خواهد بود. خوب است نویسندگان محترم و محققان زحمت کشند مطالب سودمندی اگر ننوشته اند، بنویسند، و مراجع عظام هم جهت آگاهی مقلدین خودشان، صفحه ای در توضیح المسائل خود به این گونه مسائل اختصاص دهند؛ زیرا که ولایت و رهبری در اسلام و مکتب تشیع از اهمیت خاصی برخوردار است و یک موضوع حیاتی اجتماعی، سیاسی و دینی است و محوری ترین نهاد است که با حیات اسلام و سیاست کلی آن و با عزت و عظمت مسلمین و استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران ارتباط تنگاتنگ دارد؛ نه یک مسئله فرعی و جزیی که از کنار آن با بی تفاوتی و مسامحه توان گذشت. بلکه پرتوی از ولایت مطلقه ائمه اطهار (علیهم السلام) و شعاعی از رهبری الهی آنان و فروغی است که هرگز به فراموشی نمی گراید و خاموشی ندارد.

حال آیا نمایندگان مجلس خبرگان با همه خصوصیات علمی و فقهی و ویژگی های دینی و فکری و صلاحیت تأیید شده از طرف شورای نگهبان، حق و صلاحیت دارند فردی را که واجد شرایط رهبری نیست و یا یکی از شرایط را چون فقاهت و عدالت و بینش سیاسی و غیره را فاقد است به رهبری انتخاب کنند او را به عنوان ولی فقیه لازم الاطاعه معرفی نمایند، یا صلاحیت چنین کاری را از نظر شرع و قانون ندارند؟

نمایندگان مجلس خبرگان که مورد اعتماد ملت و دولت هستند و در مراسم تحلیف سوگند یاد کرده اند خیانت به نظام اسلامی نکنند و در حد توان در تأیید مقام رهبری بکوشند، وظیفه دینی و ملی و قانونی دارند کسی را انتخاب کنند که از نظر دینی برای رهبری جامعه اسلامی ایران مشروعیت دارد و نمی توانند در این گزینش فردی را انتخاب کنند که فاقد شرایط رهبری و یا فاقد یکی از شرایط لازم مانند عدالت و فقاهت و بینش سیاسی و غیره است.

ملت و مردم و شرع مقدس و قانون جمهوری اسلامی چنین صلاحیت و حقی را به آنان نداده است و شرایط رهبری در متون دینی و قانون اساسی و آیین نامه داخلی مجلس خبرگان بدون ابهام مشخص شده است. مگر این که قحط الرجال باشد و فقیه یا فقیه آگاه و عادل پیدا نشود که آن گاه باید به دنبال الاصلح فالاصلح روند و یا اَقَلُّ ضَرَرٍ را انتخاب کنند. خدا را شکر چنین وضعی در حال حاضر نیست و نخواهد شد. (ذلک الدین القیم ولکن اکثر الناس لا یعلمون).

نمایندگان مجلس خبرگان اگر با در نظر گرفتن همه موازین شرعی و قانونی و معیار رهبری و رعایت تمامی شرایط لازم در رهبریت، شخصی را به اتفاق آراء یا با اکثریت لازم از میان فقهای واجد شرایط انتخاب کردند و مسئولیت رهبری را به او دادند و او هم این مسئولیت بزرگ را پذیرفت و به مردم هم ابلاغ شد و تبریکات از داخل و خارج به دفتر رهبری هم رسید، که خود به منزله بیعت است، آیا پس از این اقدام، نمایندگان مجلس خبرگان صلاحیت دارند او را عزل و از مقام رهبری و ولایی بیندازند، و این مسئولیت الهی را به کس دیگر بدهند یا چنین صلاحیت و حقی را ندارند؟

گر چه جواب منفی است اما برای روشن شدن و وضوح بیشتر مسئله، مقدمه ای به عرض می رسانم تا خوانندگان گرامی پس از خواندن آن بدانند و خود عالمانه قضاوت کنند که سیستم رهبری دینی با رهبری های دیگر دنیا فرق بسیار دارد و نصب و عزل در آن شرایط دیگری می طلبد و پس از دانستن و فهمیدن حقیقت، اگر وظیفه شان ایجاب کرد، این حکم الهی را بدون ملاحظه و ترس از کسی و یا مقامی تبلیغ نمایند که روش بندگان صالح خدا است. (الذین یبلغون رسالات اللّه و یخشونه و لا یخشون احدا الاّ اللّه و کفی باللّه حسیبا).

وظیفه نمایندگان مجلس خبرگان و مردم

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نعمت و رحمت بزرگی برای همه مسلمانان جهان مخصوصا ایران بود. اگر با قافله انصاف و عدالت سفری کنیم و به همه مجامع سیاسی و علمی و مذهبی سری بزنیم می بینیم ایران و ایرانی امروز غیر از بیست سال قبل است. نظرها و ذهنیت ها درباره تشیع و پیروان اهل بیت (علیهم السلام) کاملاً عوض شده، پیش از پیروزی انقلاب ما را با نفت و گاز می شناختند. بارها در مسافرت های خارج از کشور - پیش از انقلاب - شنیدم که می گفتند این ها بوی نفت می دهند. هتل و اجناس را هم گران تر از دیگران می دادند. گمان می کردند که پول نفت توی جیب ما رفته است. ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مخصوصا روحانیت آبروی خاصی پیدا کرده است. واژه ملاّ و آیت اللّه مفهوم و معنای ارزشمندی به دست آورده است.

یکی از اساتید دانشگاه سیدنی در استرالیا به من گفت امسال دو کلمه به لغت نامه کشور استرالیا افزده شده یکی «ملا»، دومی «آیت الله» که با ظلم ستیزی سر و کار دارند.

انقلاب مقدس اسلامی که انفجار نور بود با خون پاک صدها هزار شهید مخلص و ویرانی ها و آوارگی ها و خسارت های زیاد به دست آمد باید خون شهیدان مان را ارج نهیم و روزهای سخت جنگ تحمیلی و حماسه های جوانان عزیزمان و ایثارگری و فداکاری های همه ملت شریف ایران را از یاد نبریم و این امانت الهی را پاس بداریم.

تمام مردم متعهد و مسلمان وظیفه دارند در حراست از این انقلاب بکوشند. عالم، غیر عالم، اداری و غیر اداری، زن و مرد، بزرگ و کوچک به آن گونه که در به پیروزی رساندن انقلاب یار و همکار هم بودند در نگه داری و پاسداری هم چنین باشند.

اما در این میان وظیفه نمایندگان مجلس خبرگان سنگین تر از دیگران است. بنایی را که به وجود آورده اند باید مانع تخریب و تضعیف آن باشند و این کار به سه طریق امکان پذیر است.

اول تفهیم و توجیه و تشریح اصل ولایت فقیه است که باید آن را به مردم مسلمان از راه قلم و بیان و رسانه های گروهی فهماند و یاد داد تا نگویند ولایت فقیه هم مانند بسیج و کمیته امداد خمینی یا سپاه پاسداران از پدیده های انقلاب است و قبلاً نبوده است. این کار با منطق و حکمت و بهترین روش علمی باید انجام گیرد. خشونت، برتری جوئی و تحکم و تحمیل عقیده و سیطره نباید باشد. خداوند به پیغمبر اسلام فرموده: (لست علیهم بمسیطر).

دوم لازم است نمایندگان محترم مجلس خبرگان عوامل ضعف و یا دوری از دستگاه رهبری را در میان اقشار مختلف مردم شناسایی نمایند و از راه خیرخواهی و کمال اخلاص به حکم «النصیحة لائمّة المسلمین» یعنی خیر خواهی برای رهبران دینی به عرض رهبر در هر زمان برسانند و مشکلات کشور را با این که غافل از آن نیست گوشزد کنند که تذکر و یادآوری به نفع مؤمنان است: (فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین). در انجام این خدمت مسامحه و غرض های شخصی و حساب های خصوصی را کنار بگذارند. حق بنویسند و حق بگویند (قل الحق و لا تخف من التفرد).

سوم تعظیم و تقویت دستگاه رهبری، حفظ قداست و عظمت آن است که به نظر من و بسیاری از افراد مؤمن، مهم تر از هر چیزی است. چون دو چیز عامل مؤثر در ارادت به مقام معظم رهبری بوده و خواهد بود، یکی علم و فقاهت، دوم پاکی و قداست است که دومی مؤثرتر از اولی است. باید سعی کرد حتی غیر مستقیم این قداست لکه دار نشود.

نمایندگان مقام معظم رهبری در داخل و خارج کشور از نظر علمی و عملی و حسن اخلاق و رفتار و ساده زیستی و برخورد شایسته با طبقات مختلف باید طوری باشند که ایجاد محبت و ارادت به نظام جمهوری اسلامی و اعتقاد به مقام مقدس رهبری کند و بدانند میان آنان و نمایندگان سیاسی کشور از هر جهت فرق بسیار است. یک سفیر برای حفظ عظمت کشورش ممکن است بهترین ماشین و عالی ترین دکور خانه و محافظ و دربان، داشته باشد چون او سیاست بین المللی کشور خود را نمایندگی می کند. اما نماینده دینی روش مذهبی، رفتار دینی و روحانی را برای مردم نشان می دهد.

مخصوصا از جهت شئونات دینی و آشنایی به مسائل اجتماعی و قرآن و سنت پیغمبر و تاریخ اسلام و مذهب بی اطلاع نباشند و اگر در موضوعی احاطه کافی ندارند وارد بحث نشوند و مسئولان هم دقت کنند و هر کسی را به عنوان نماینده رهبر در نهادها و یا خارج از کشور نفرستند. دانستن یک زبان، اعم از انگلیسی یا عربی یا اردو یا ترکی یا فارسی جزو معارف اسلام نیست. امروز صحبت اسلام در سطح جهان است نه دوستی و رفاقت شخصی.

آخرین نکته

علمای شیعه و سنی پس از بیعت با یک رهبر - که یک امر عرفی است - نقض بیعت را حرام می دانند و دفاع از حریم امامت و ولایت را واجب می شمارند، و اگر گروهی پس از بیعت به جنگ و قتال با رهبر برخیزند، مقاتله با آنان را جایز و گاهی واجب می دانند. انتخاب رهبر به وسیله نمایندگان مردم در حکم بیعت با مقام ولایت است و نقض بیعت جایز نیست.

در این عصر که مسلمانان جهان و مستضعفان گرفتار سیاست های غلط دنیا پرستان هستند و چشم به سوی ایران دوخته اند، بر همه اقشار ملت فرض است این انقلاب اسلامی را که بر محور ولایت فقیه استوار است نگه دارند و کارهای انجام گرفته و سازندگی های مسرّت بخش و بازسازی ویرانه های جنگ تحمیلی را از برکات رهبری و دولت خدمت گذار بدانند و در ادامه این حرکت صادقانه بکوشند که خداوند چنین فرموده:

(خذوا ما اتیناکم بقوةٍ و اذکروا ما فیه لعلکم تتقون).

پی نوشتها:

1. سوره مائده (5) آیه 54.

2. سوره سجده (32) آیه 34.

3. سوره روم (30) آیه 30.

4. سوره احزاب (33) آیه 40.

5. سوره بقره (2) آیه 63.